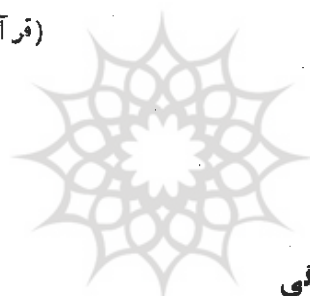


حجت یا نه‌اینده

قل فله الحجة البالغة
فلو شاء لهدىكم اجمعين
(قرآن کریم - انعام)



- 🕒 لزوم سفارت
- 🕒 سفارت الهی
- 🕒 اندیشه روشن
- 🕒 آزادی عمل
- 🕒 عاری از آلودگی
- 🕒 از این همه مهلتها
- 🕒 هدف ما!

گام‌های علمی و مطالعات فریبی

سال علم علوم انسانی

از همان زمانیکه اجتماعاتی تشکیل شد و مردم شهر نشین شدند و هر گروهی گوشه و نقطه‌ای از این کره زمین را برای خود خط کشی نمودند و بنام و عنوان مملکت و میهن نام گذاری کردند، مقررات و قوانین و وظائفی را وضع نمودند و روابط سیاسی و نظامی و اقتصادی هم در این حصار کشی‌های روی زمین یعنی کشورها باهم برقرار کردند و این روابط بوسیله نمایندگان و رسولان و باصطلاح امروز سفرای کبار بر گذار میگردید و بر نماینده و سفیر هم تا حدود اختیارات خود لازم بود و ایجاب

میکرد تحکیم روابط دوستی کند و موقعیت اقتصادی و سیاسی را برقرار نماید صادرات و ضروریات و موقعیتهای کشور خود را بعرض برساند و از عظمت پادشاه و ملت و مملکت خود داد سخن دهد.

و اهمیت کشور خود را در کلیه مراحل روشن سازد و آن نماینده ای صلاحیت خود را بظهور میرساند که بتواند بطور شایسته بنفع مملکت گامهای مؤثری بردارد و نیز مورد توجه مردم و دولت وقت باشد

سفارت الهی

این مقدمه را بدین منظور نوشتم که ذهن خواننده گرامی باین موضوع متوجه شود. اگر نگاه عمیقتری بنمائیم و بجهات زندگی روحی و علائق معنوی بلکه بعالم مادی هم بنگریم اقتضاء میکند که یک رابطه ای بین سلطان ابدی و دستگاه آفرینش و آفریده هایش برقرار باشد بالاخره این بحث عقلی و نقلی قابل انکار نیست و بر هر صاحب بصیرتی روشن است که خداوند قادر متعال برای شناسائی کامل خود، برای اینکه انسانها تو جهات بیشتری به خلقت و آفریننده خود پیدا کرده و در نتیجه بتوانند نیتی که آمیخته با عدالت اجتماعی و روابط عمومی در اثر خداشناسی و معرفت بذات باری تعالی باشد بین انسانها بوجود آید نمایند گانی از میان خودشان انتخاب کرد که باز بانسان آشنا باشند آنها مأمور بودند آفریننده بی مثال و جلالت ذات احدیت را روشن نموده، وظائفی هم که لازمه زندگی بین روح و ماده است کاملاً تشریح نمایند و این برگزیدگان بشری تا مرحله نهائی و سرحد توانائی از انجام وظیفه مقدس و مأموریت الهی فروگذار نکردند.

یعنی مانند یک سفیر دانشمند و باصطلاح دیپلماتی با خلوص نیت و صفای باطن و از خود گذشتگی و فداکاری و ایمان قلبی که لازمه یک رسالت الهی است پافشاری کردند. پیامبران کوشیدند ریشه شرک و بت پرستی و

کفر و الجاد و میوه‌های اینهار از میان تمام انسانها بر طرف سازندهما نطور
 که سفیری استوار نامه خود را در کشوری که مأموریت دارد باید در پیشگاه
 مقام سلطنت و یاریاست جمهور تقدیم دارد آنها هم دلائلی بر اینکه نماینده
 خدا پیدا قامة کردند.

اندیشه روشن

گروهی که اندیشه‌ی روشن و پاک می‌داشتند بلا درنگ دعوت آنان
 را می‌پذیرفتند و گروهی بمبارزه بر میخواستند و سرعناد پیش می‌داشتند
 زیرا زندگی اینان غیر انسانی و بوئی از ایمان و عدالت و انسانیت و اجتماع
 و مردم و عاقبت و معاد و پاداش و کیفر و جزا بمشامشان نخورده بود و
 کلام انبیاء بر ایشان تازگی داشت و آنرا درست مخالف با مرام و کردار و
 اخلاق و رویه خود میدیدند؛ لذا نمایندگان الهی را رنجها میدادند و شکنجه‌ها
 میکردند.

نماینده سیاسی

نماینده‌های سیاسی کشورها مصونیت دارند و دولت‌های آنان با تمام
 قدرت و نیرو از نماینده خود پشتیبانی میکنند و چه بسا بر اثر اهانتی که بیک
 نماینده کشوری در کشور بیگانه‌ای شده جنگها در گیر و خونها ریخته شده
 است و سالیانی قطع روابط دوستی و سیاسی نموده اند ولی آیا خدا قدرت نداشت
 فرستادگان گرامی خود را مصونیت دهد؟!

منکرین و متجاوزین و جبارین را گوشمال دهد؛ بلکه برای عبرت
 دیگران نابود سازد؛ و پیامبران عزیز خود را از چنگال دژ خیمان و سبک-

مغزان انسانیت نجات بخشد؟! چرا، ولی خداوند این انسان را در وهله اول در کمال آزادی قرار داده و این مشقتها را هم بر رسولان عزیزش هموار فرمود که حقایق الهی و قوانین آسمانی و وظائف انسانی با همه آن فشارها، تهدیدات و کار شکنیها جای خود را باز کند و بردلهای آماده پذیرش و خردهای بیدار سیطره پیدا کند و خود این یکی از معجزات بزرگ انبیاء گرد و دیگری دیگر از حجتهای خدا باشد.

آزادی عمل

دیگر اینکه ثابت شود انسانها با کمال اختیار در سردوراهی قرار گرفته اند: میتوانند با کمال آزادی فکر و اندیشه و هدایت راهنمایان نتایج سوء کجروی و انحراف و خودسری را که پیاپی بران میجسم نموده اند مشاهده نمایند و عاقبت ناگوار آنرا دریا بند و هم چنین اثرات نیک هدایت و پذیرفتن دعوت انبیاء هم کاملاً روشن باشد که تا چه اندازه از راه محبت و صلح و صفا و از در پیچه عاطفه و انسان دوستی با آحاد انسانها سخن گفته و دعوت بزندگی سعادت بخش کرده اند.

آنوقت این انسان بهر طریقی که خواست برود اختیار با خود اوست تا دیگر حجتی بر او نباشد و فوائد و زیان هر دو راه را فهمیده و هر کدام را خواسته پذیرفته است بطوریکه بر این مطلب این آیه گواه است:

مسعدة بن زیاد از امام صادق (ع) نقل میکند تصریح را در: قال سمعت

جعفر بن محمد وقد سئل عن قوله تعالى «فلله الحجة البالغة» فقال

ان الله تعالى يقول للعبد يوم القيامة: عبادي كنت عالمافان قال نعم

قال له: افلا عملت بما علمت؟

وان قال: كنت جاهلاً قال: افلا تعلمت حتى تعمل؟ فيخصمه

فتلك الحجّة البالغة (۱)

مسعدة بن زیاد که یکی از اصحاب امام صادق است میگوید از امام در برابر سؤالی که از آن حضرت درباره این آیه (فَلِلَّهِ الْحِجَّةُ الْبَالِغَةُ) گردید امام پاسخ فرمود خداوند تبارک و تعالی روز قیامت بنده را ندانم دهد: بنده من! آیا بوظائف خود دانا بودی؟ اگر بگویند: بلی دانا بودم باز میفرماید آیا بآنچه میدانستی عمل کردی؟

و اگر بگویند جاهل و بی خبر بودم، ندا میآید چرا نیاموختی تا عمل نمائی و محکومش مینماید و این است حجّت بالغه خدا. بیشتر از مفسرین هم این مطلب را تأیید کرده اند که چه بدانند و عمل نکنند و چه آشنا بوظائف نباشد در هر دو حال مسئول است و مؤاخذه میشود زیرا انسان زمانی میتواند بدستگیره‌ها و انگیزه‌های کمال و شرافت و عدالت اجتماعی نائل شود و دست پیدا کند که عامل بوظائف شود بنا بر این حجّت خدا همه جا و همه وقت نمایان و آشکار است.

عاری از آلودگی‌ها

ولی باید دلها و چشمها عاری از آلودگیها و ناپاکیهای زیان بخش زندگی باشد تا بتوانند درک کنند و بحقایق سعادت بخش آیات خداوندی پی برده این حقیقت بر کسی پوشیده نیست. هر چشم و دلی توانائی بینائی جمال و جلال کبریائی را ندارد اگر چه سراسر گیتی و جهان جلال و کمال اوست و از هر جا حجّت خدا جلوه گراست ولی نیروهای شیطانی و لجاجت و خودسری و لجام گسیختگی مانع از درک کامل آن است اما با همه اینوصف خدا ایرا عاقبت کسی

نمی‌تواند انکار کند. اگر چه در آخرین لحظات زندگی و در آغوش مرگ باشد چون بکرات دیده شده همان مردان جهانی که مانند کندیها بر عالمی حکومت داشته‌اند در آن زمان که با مرگ فاصله‌ای نداشتند زبان را باین کلمه: «ای خدا» گشوده‌اند!

این امر مسلم است که برای خدا حجتها و نماینده‌های بالغه و بزرگی است که می‌تواند چرخ زمان را بر روی عقر به ایمن بگردش در آورد و مسیر زندگی را تغییر دهد ولی خدامی خواهد خود انسان‌ها باین مطلب توجه نمایند و آزادانه بشاهراه‌های عدالت و انسانیت پی برند و در سراسر جهان و گیتی آثار الهی را نگریسته و چشم خرد بین خویش را باز کرده و **فانظر الی آثار رحمت الله** را از نظر دور نداشته و بدانند همه جا و همه وقت برای تمام انسانها اقامه حجت گردیده و انسانی را خداوند بدون راهنما و دلیل نگذاشته است ولی پیکره‌هایی دور از آرزو شهوت می‌خواهد که بتواند مشاهده این نمای حقیقت را کرده و در همین جهان، ماورای ماده را بنگرد و عالم بی‌پایان ابدی را به بیند و به آن ایمان آورد و این همه شعله‌های فساد را بالا نراند و خرمنهای گناه را انباشته تر نماید و راه میان‌روی و حق بینی را از یاد نبرد و بالاخره نتایج و فواید خوب و بد زندگی را بتواند دریابد و وجود خود را جهان‌پنهنور معرفت گرداند.

اینهمه مهلتها

از این همه مهلت‌های محدود زندگی غافل نگردد و بداند که:

ومن یطع الله ورسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار

خالدین فیها وذلک الفوز العظیم فرمانبری و اطاعت خدا ورسول

او ثمرہ آن خلود در نعمتہای ابدی است و خود این بزرگترین رستگاری و نتیجہ زندگی سعادت مندی است کہ ہر انسانی خریدمند باید آید او ہمین باشد و بس . **ومن یعص الله ورسوله ویتعد حدودہ یدخلہ ناراً خالداً فیہا وولہ عذاب العظیم** (۱) آنکہ از مرز عدالت و اطاعت خدا و پیغمبر سر پیچید و طغیان نمود و تعدی و تجاوز در نظام زندگی کرد جایگاہ چنین انسانی در آتش و عذاب ہمیشگی است کہسہ ہموارہ پست و خوارش کند .

هدف ما این بود کہ در ذیل آیہ شریفہ «فلله الحجۃ البالغۃ» مطلب را بدانجا رسانیم کہ در ہر زمان اقتضاء میکند و لازم است از جانب پروردگار حجت قائمی یعنی همان بشری کہ از تمام آلودگیہا وارستہ است و من جمیع الجهات از کلیہ انسانہا بالاتر است در میان اجتماع و جہان بودہ باشد و این چنین کسی امروز همان حجۃ بن الحسن العسکری دوازدهمین جانشین پیغمبر اسلام میباشد و مقالہ ای بنویسیم کہ چگونہ قرینہ است بحیات خود ادامہ میدہد و چگونہ حجت بالغہ خداست . ولی وعدہ میدہیم در شمارہ بعد و یا یکی از شمارہ های فصل در این بارہ مقالہ ای درج نمائیم انشاء اللہ .

۱۲۵ النساء آیہ ۱۲

مدت عمر بعضی از پیغمبران

آدم ۹۳۰ ، شبت ۷۱۲ ، نوح ۹۵۰ ، ہود ۸۰۰ ، صالح ۱۳۶ ،
ابراہیم ۱۷۵ ، اسمعیل ۱۳۷ ، اسحق ۱۸۰ ، یعقوب ۱۴۷ ،
یوسف ۱۱۰ ، موسی ۱۲۰ ، ہرون ۱۱۷ ، سلیمان ۵۲ ، داود
۱۰۰ ، عیسی زمانی کہ از دیدہ ہا پنهان شد ۳۳ سالہ بود (۱)

حضرت محمد ۶۳

(۱) کشکول ج - ۲